

علت ازدیاد تصادفات رانندگی در ایران

چند روز پیش در مطبوعات ایران خبر از فوت بیست و دو هزار نفر در سال گذشته داده بودند. در یک برنامه رادیویی همه جور کارشناسی شد و دست آخر گناه را گردن جاده و اتوموبیل بیچاره گذاشتند. بنده در این مقاله می خواهم علت اساسی ازدیاد تصادفات را خود نظام جمهوری اسلامی عرض کنم آنهم بدلائل زیر: وجود گازهای سمی زیان آور که مجموعاً آنها ناکس (اکسید های مختلف ازت) می نامیم در شهری مثل تهران چندین برابر حد مجاز است. این گازها سبب گیجی منگی خواب آلودگی حواس پرتی عصبانیت و پرخاشگری می شوند. (شاید دعوای رانندگان در سر چهارراه ها یکی از عواملش این باشد). در خیلی از موارد که راننده می گوید نمی دانم چگونه این تصادف پیش آمد شاید این گازهای سمی هم در راننده و هم عابر اثرگذار بوده است.

اما آنچه مایلم در این مقاله بدان بپردازم وجود سیستمی بنام دیات و دیه در قوانین قضایی ایران است. دیه که به تعبیری نرخ ریالی آدمها است و هر سال هم قوه قضاییه آنرا بالا می برد به دلایل زیر در افزایش تصادفات مؤثر است.

1) بی مبالاتی راننده: بارها شاهد بوده ام که وقتی عابری به راننده ای که ویراژ می دهد اعتراض می کند می گوید: (دیه ات را می دم حالا مگه چه شده). یعنی آن احتیاط و هوشیاری و ترس از تنبیه در این جا از بین رفته بخصوص که در ایران این جرم ها فقط جنبه خصوصی دارد. یعنی به محض پرداخت دیه به شاکی خصوصی پرونده بسته می شود و جامعه در اینجا از حقوق شهروند خود دفاعی ندارد؟

2) بی مبالاتی از جانب عابر عابر هم ترس از تصادف ندارد چه به علت تصادف اگر نقصی بیابد مثلاً اگر شانس بیاورد و یک بیضه اش را در این تصادف از دست بدهد دیه کامل می گیرد و رود پی کارش. اگر هم فوت کرد دیه کامل را وراثت او می گیرند و می خورند و ای بسا خا نوده ای که در تمام عمرش رقم میلیونی ندیده با دریافت 27 میلیون وضعیت دگرگون شود؟ راننده ای که پای کودکی را در تصادف شکسته بود می گفت بعد از خرج 3 میلیونی بیمارستان پدر بچه می گفت کاش مرده بود و از تو دیه می گرفتم؟؟

3) سودآوری شرکت های بیمه در ایران حدود 5 میلیون اتوموبیل هست اگر بیمه دیه هر اتوموبیل را صد هزار تومان فرض کنیم (که البته این رقم امسال بیشتر است) می شود 5 ضربدر 10 به توان یازده حالا اگر شرکتهای بیمه (ظاهراً مثل نفتمان ملی هستند) برای تمام آن 22 هزار نفر دیه کامل داده باشند (در حالی که بیمه زن نصف مرد و اگر راننده تصادف کننده زن باشد تا 80 درصد بیمه دیه را بیمه می دهد و خیلی ریزه کاری های شرکت های بیمه که در واقع سود واقعی همانجاست). و دیه کامل سال گذشته را 20 میلیون فرض کنیم می شود 44 ضربدر 10 به قوه 10 و تفاوت این دو بیش از 60 میلیارد تومان است. چرا در آلمان با سه برابر اتوموبیل تصادفات منجر به فوت یک دهم ماست این این سیستم دیه بازی نقش ندارد؟.

4) وجود این سیستم از طرفی و از طرف دیگر خصوصی نگاه کردن به جرم یعنی بی توجهی به جان انسانها سبب ازدیاد و افزایش هر ساله تصادفات در ایران است.

در این سیستم یک خانم استاد دانشگاه دیه اش نصف پسر 6 ساله عقب مانده من است؟

برای چه جرم ها جنبه عمومی ندارد مگر همین خانم دکتر از پول این مملکت خرجش نشده و مگر خدمتش در جهت تعالی این جامعه نیست چرا جامعه حقی برای خود در قبال این شهروند احساس نمی کند؟ من نمی دانم آقای دادستان چرا دادمردم را از یک راننده متخلف که حقوق شهر وندی را از بین برده نمی ستاند و فقط روزنامه ها هستند که به زعم ایشان امنیت اجتماعی را صدمه می زنند. برای کاهش تصادفات اگر آقایان قانون دیه را دست نمی زنند حداقل مجازات اجتماعی جرم را بالا ببرند مثلاً راننده خلافکار منجر به فوت یک سال زندانی غیر قابل خرید غیر قابل بخشش در انتظارش باشد آنوقت خواهید دید که تصادفات منجر به فوت کم می شود یا نه؟ اصل قانونگذاری حفظ جامعه است نه حفظ یک فرد البته خود به خود حقوق آن فرد در جامعه معنی دار خواهد شد و صدمه نخواهد دید اما اگر فرد را سوای جامعه در نظر بگیریم اگر حقی فقط برای وی قایل شویم پس جامعه چه می شود؟ از این قانون جامعه چه سودی برده ایا ما منافع جامعه را فدای فرد نکرده ایم؟

با احترام دکتر محمد نخشب . شهریور 82 تهران